

دکتر محمد اسلامی ندوشن

● مقاله زیر که بقلم دکتر محمد علی اسلامی ندوشن در مجله "نگین" شماره ۱۵۱ چاپ تهران درج شده، با اندکی تلخیص، در سه قسمت از نظر خوانندگان ارجمند می‌گذرد.

حقوق بشر در جهان سوم

● نگاهی به تحولات کشورهای جهان سوم پس از جنگ جهانی دوم و مسائل مشترک این کشورها

مردم جهان سوم خواستار آنند که حساب و کتابی در کارها گذاشته شود. هنوز رسم سر بریدن باینه از جهان برنیفتاده است. بزرگترین اختراع در مورد روان و جامعه فریبی این است که در هر کار و هر چیز "قلب" بجای "اصل" گذاشته شود.

میتوان پنداشت که یکی از ملت‌هایی که موجب شده است تا حرف "حقوق بشر" از نو بر سر زبان‌ها بیفتد، آن است که این حقوق در معرض پایمال شدن جدی قرار گرفته است هر وقت بلطه‌ای اجتماعی عارض می‌گردد، بدانگونه که می‌رود تا کاسه

صبر مردم را لبریز کند و طشت‌های رسوائی را از بام‌ها بیفکند، به حکم ضرورت طبیعی و قانون واکنش، تأمل و گفتگو برسر موضوع در میگردد، و پرتوی مبهمی از امید در لابلای تاریکی به دمیدن می‌آید.

موضوع حقوق بشر نیز تابع چنین جریانی بوده است. در امریکا، در انتهای قرن هیجدهم نهضت استقلال طلبی که در برابر استعمار انگلستان ایجاد شده بود، منتهی به صدور منشور استقلال و گنجاندن برخی اصول حقوق انسانی در آن گردید. انقلاب کبیر فرانسه نیز که زائیده عصیان طبقه میانه‌حال بر ضد انحصار طلبی، تفرهن، و ظلم اقلیت اشرافی بود، از وضعی شبیه به همان وضع فوران کرد و اعلامیه حقوق بشر را با خود آورد.

در پایان جنگ دوم جهانی که دنیا از زیر انهدام و کشتار قرن بیرون آمده بود، و فجایع جنگ، تکان شدیدی به وجدان بشریت داده بود، لازم آمد که از نو موضوع حقوق انسان‌ها عنوان گردد، و سازمان ملل متحد تنظیم و تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر را برعهده گرفت. اکنون نزدیک سی سال از آن زمان گذشته است و از نو، کار جهان به مرحله قابل انفجار و غیر قابل تحملی رسیده است. اکنون نیز بر اثر سوء رفتاری که در بعضی از کشورها شده است مردم خواستار آنند که حق و حسابی در کارها گذارده شود، که اگر نشود، احتمال آن هست که اوضاع و احوال کنونی به صورت طوفان زائی درآید.

نگاهی به دوران سی ساله اخیر، سیمای "اعلامیه جهانی حقوق بشر" سازمان ملل متحد را قدری شوخی‌آمیز جلوه می‌دهد که چندان بی‌شبهت به ازدواج عباسه و جعفر که هارون گفت به این شرط آنها را به یکدیگر خواهد داد که میان آن‌ها زفافی صورت نگیرد، نیست.

در یک تقسیم بندی کلی، سرزمین‌های جهان به سه دسته منقسم می‌شوند:

- ۱- کشورهای صنعتی غربی و ژاپن
- ۲- کشورهای سوسیالیستی شرق و اروپا و خاور دور
- ۳- کشورهای جهان سوم

در این بحث به دو دسته اول کاری نداریم، برای آنکه ما را از موضوع اصلی خود که دنیای سومی‌ها باشند دور می‌کند با این حال، از یاد نمی‌بریم که اوضاع و

احوالی که در زمینه حقوق انسانی در کشورهای دنیای سوم گذشته است ارتباط نزدیکی با رفتار و سیاست دو دسته دیگر می‌یافته است .

کشورهای دنیای سوم که ضعیف و کم تجربه و پراکنده بوده اند ، در معرض فشار دو ابر قدرت که هر یک وابسته به جبهه‌ای است قرار داشته اند که این فشار سرچشمه می گرفته است از مقداری مطامع سیاسی و اقتصادی و اندیشه جهان مداری که هرگز این کشورها را به حال خود نگذارده است .

چنانکه می دانیم بعداز جنگ ، یک موج استقلال طلبی به دنیای سوم روی آورد ، تعداد زیادی از کشورها که تا آن زمان تحت استعمار یا اشغال بودند به آزادی رسیدند حتی در آغاز امیدهای زیادی برانگیخته گشت و چنین وانمود می شد که تجاوز و جنگ لااقل برای مدتی از میان خواهد رفت و دنیا یک دوران آرامش و آزادی را در پیش خواهد گرفت .

دوران بعداز جنگ می توان گفت که دوران رهاشدگی امیدها بود ، هند که بزرگ ترین کشور استعمارزده تاریخ بود ، ناگهان به بزرگترین دموکراسی جهان مبدل گشت ، اندونزی با حرف و حدیث‌های بسیار به جرگه کشورهای مستقل پای نهاد ، و سرزمین زجر کشیده‌ای چون لهستان پس از سالها تحمل وحشت و مصیبت قد راست کرد ، و به زندگی تازه‌ای روی برد .

ولی مدت درازی نگذشت که شوق‌ها شروع به فروکش کردن کرد . توپها البته خاموش شده بود لیکن اشتهاها و حرص‌ها فرونشستنی بودند خون از حلقوم‌ها خارج نمی‌شد ، اما رسم با پنبه سر بریدن از جهان برنیفتاده بود .

عوامل خارجی و داخلی:

مردم با دونوع مانع روبرو بودند یکی خارجی که استثمار و سلطه جوئی سیاسی را از یاد نمی برد می‌بایست که مردم کشورهای دنیای سوم ، درعین سرگرم بودن با بازیچه استقلال ، صفت دنیای سومی بودن خود را از یاد نبرند ، یعنی مواد خام خویش را ایزان بفروشند و محصول صنعتی غرب را گران بخرند و بطور کلی درصدد ابراز وجود برنیایند . برای این منظور ، بازار خیمه شب بازی گرم بود . و دسیسه و

پراکندگی و دامن زدن به آتش تعصب و اختلاف‌های فرقه‌ای و غیره و غیره .
دوم مانع خانگی ، و این از گردانندگان کشورها ناشی می‌شد ، اتحاد مشتبی
کهنه‌کار و مده‌ای تازه بدوران رسیده ، اکثرا پراز شهوت مقام و حرص پول ، که فوجی
از روزنامه‌نویس و مفتخور ولوطی و دلال و انتخاب‌چی و دلچک و شایعه پرداز و خیرکش
را به دنبال خود می‌کشید و این گروه یک حلقه شوم دوالهائی برگردن مردم تشکیل
می‌داد .

از چند استثناء که بگذریم مانند هند دوران " نهرو " که دستگاه اداره‌کننده
پارسائی داشت ، پرورده زندان و زهد گاندی (البته نباید فراموش کرد که سرمایه‌دارها
تا حد زیادی در این دستگاه نفوذ داشتند) بسیاری از کشورهای دنیای سوم بدشواری
می‌توانستند از فساد و جاه‌طلبی‌های نامعتدل درامان بمانند ، هرچند درجه‌ساین
فساد و جاه‌طلبی در آنها متفاوت بوده است .

می‌توان بعضی صفات مشترک جست که درباره تعدادی از این کشورها صدق
می‌کند ، زمینه سازی هائی که برای زیر پا نهادن حقوق بشر بوده است به این صورت
است .

ادامه دارد

بقیه پارتن صفحه ۱۹

- ۲- **أَلَا إِنَّ أَصْحَابَ الرَّأْيِ أَعْدَاءُ السُّنَنِ أَعْيَبْتَهُمُ الْأَجَادِيثُ أَنْ يَحْفَظُوهَا ، فَافْتَبَسُوا بِرَأْسِهِمْ فَضَلُّوا الْأَوْثَانَ نَقَدْتُمْ وَلَا تَسْتَكْبِرُوا وَلَا تَسْتَبْذِقُوا مَا نَضَلَّ مَا تَسْتَكْبِرُونَ بِالْأَسْر...**
کنز العمال ج ۵ ص ۲۳۲ ، ۲۳۳ و سیره عمر نگارش ابن جوزی ص ۱۰۷ و غیره
- ۳- عبارت‌های خلیفه در هر مورد ، به‌گونه‌ایست الغدیر ج ۶ ص ۳۰۸ مراجعه‌کرد
- ۴- ذخائرالعقبی ص ۸۲ شرح موظا و نگارش زرقانی ج ۴ ص ۱۱
- ۵- مناقب ابن شهر آشوب ج ۱ ص ۴۹۳ ، غایه المرام ص ۵۳۶
- ۶- بحار الانوار ج ۹ چاپ کمپانی ص ۴۹۰
- ۷- ذخائرالعقبی ص ۸۱
- ۸- کنز العمال ج ۳ ص ۹۵ ذخائرالعقبی ص ۸۱ رَفِعَ الْقَلَمُ عَنْ ثَلَاثَةٍ... وَالْمَجْنُونِ حَتَّى يَفِيقَ
- ۹- ذخائرالعقبی ص ۳۱
- ۱۰- علی والخلفاء ص ۲۴۹ نقل از الطرق الحکمیة ص ۴۵